

چگونه می‌توانیم با فرزندانمان هم بازی شویم؟



محمد رضا مطهری

سراغ والدین خود می‌روند و از آن‌ها می‌خواهند که هم‌بازی‌شان بشوند. بازی با کودک برای پدر و مادر هم می‌تواند سرگرم‌کننده و لذت‌بخش باشد (برگشت به دوران کودکی و حالت نشاط و انبساط خاطر). به هر حال والدین هم با تمام وقار و شخصیت خود احتیاج به فرصت‌هایی دارند که از دنیای پر دردسر کنونی گریزی به دنیای شیرین تخیلات بچگانه بزنند.

برای این‌که بتوانید بازی جالب و سرگرم‌کننده‌ای با کودک خود داشته باشید باید شوق بازی با کودک در وجودتان باشد و ضمن بازی تمام حواس خود را متوجه او کنید. اگر در این چند دقیقه بازی نظم و وقار خود را کنار بگذارید و با کودک درست مثل یک بچه بازی کنید هیچ لطمه‌ای به شخصیت شما نمی‌خورد. منتهی باید نقش کودکی را بازی کنید که عاقل‌تر است و زیرکانه کودک را از انجام کارهای خطرناک یا تجاوز به حقوق همسایه باز می‌دارد. منظرهٔ مادر یا پدری که ضمن بازی با کودک خود چهار دست و پا روی زمین راه می‌رود یا پشت لباس کودک را می‌گیرد و صدای لوکوموتور را در می‌آورد، نه تنها خنده‌آور نیست، که تابلوی زیبا و مفرحی از زندگی است.^۴ این چنین رفتارهایی در سیره ائمه اطهار (ع) به کسرات دیده شده است. روایت داریم که امیرالمؤمنین علی (ع) بچه یتیمی را دید و هر چه خواست با او حرف بزند موفق نشد. دریافت که غم یتیمی بر روحش اثر گذاشته است. هر چه گفت عزیزم، پسر کوچولو! دید همین طور نگاه می‌کند. امیرالمؤمنین با زانو‌ها و دست‌هایش راه رفت و بع بع کرد. بچه خندید. یکی آمد و گفت: زشت است که شما به عنوان رئیس حکومت اسلامی بع بع می‌کنید. حضرت علی (ع) فرمود: عوضش یتیمی خندید.^۵

یکی از راه‌های پرورش شخصیت کودکان، شرکت بزرگسالان در بازی آن‌هاست. وقتی که والدین خود را تا سر حد کودکی تنزل می‌دهند و با شرکت در بازی کودکان، آنان را در کارهای کودکانه یاری می‌کنند، روح و روان کودک سرشار از مسرت و شادی می‌شود^۱ و اعتماد به نفس و احساس خودارزشمندی در کودک تقویت می‌گردد.

از راه هم‌بازی شدن با کودک می‌توانیم دنیا را از دریچه و زاویه‌ای که او می‌بیند ببینیم و نیز می‌توانیم با کودک همدلی کرده، خودمان را به جای او بگذاریم و دنیا را آن طوری که او می‌بیند درک نماییم. زمانی که با کودک هم‌بازی می‌شویم، رفتارها، احساسات، تفکرات، تخیلات و تصورات کودک را بهتر می‌پذیریم، همهٔ حالات کودک را طبیعی تلقی می‌کنیم و در نتیجه با او رفتار مناسب‌تری خواهیم داشت.^۲

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید: "مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصِبْ لَهُ."^۳ هر کس که کودکی نزد اوست برایش کودکی کند (خود را با عوالم او هم‌آهنگ ساخته، رفتاری که در خور درک اوست در پیش گیرد).

والدین در ضمن بازی با کودکان می‌توانند بسیاری از مفاهیم دینی، اخلاقی، عاطفی، روانی و اجتماعی را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به آنان منتقل کنند.

بچه‌ها معمولاً تا سه سالگی بیش‌تر بازی‌های خود را به تهایبی انجام می‌دهند و گاهی هم به

دست دیگر را پشت گردن وی گذاشتند و لب بر لبش نهادند و او را بوسیدند.^۸

اگر بدون رغبت و با خستگی و به رغم میل باطنی با کودک مشغول بازی شوید و تمام حواستان را به او نسپارید، کودک به زودی بی میلی شما را می فهمد و از شما می رنجد و چه بسا بازی را به هم می زند و از ادامه آن صرف نظر می کند. از این رو حتی چند دقیقه بازی با کمال علاقه و شکیبایی به ساعت ها بازی توأم با بی میلی با کودک ترجیح دارد. وقتی شما و کودک از بازی با هم لذت ببرید او چنان خشنود می شود که به آسانی می گذارد به دنبال کارهای دیگر خود برود و با وعده بازی در فرصتی دیگر دل خوش می شود. اما کودکی که در بازی با والدین ارضا نشود همیشه گم کرده ای دارد و هیچ وعده و وعیدی خشنودش نمی کند. بنابراین چه بهتر از این که در طول روز گاهی هم به بازی هایی که می توانید با بچه انجام دهید بیندیشید و خود را از این نظر هم تجهیز و آماده سازید.

رهنموده هایی برای هم بازی شدن والدین

با کودک

* هنگامی که با کودکان بازی می کنید دقت داشته باشید که کودک بازی را رهبری کند نه شما، چون وقتی ابتکار عمل را به دست می گیرید کودک احساس حقارت و ناتوانی می کند. به عنوان مثال وقتی کودک می خواهد، خود قطار برقی بی را که به او هدیه داده اند به کار اندازد، فوراً والدین خود را جلو انداخته، به او طرز کارش را یاد می دهند یا وقتی می خواهد از درون اسباب بازی سردرآورد و آن را باز و بسته کند طاقت نیاورده، راه حل را به او می گویند و او را از کشف و تجربه شخصی محروم

در رفتارهای پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) آمده است: روزی پیامبر اکرم (ص) با جمعی از مسلمین در نقطه ای نماز می گزاردند. موقعی که آن حضرت به سجده می رفت حسین - علیه السلام - که کودک خردسالی بود به پشت پیامبر (ص) سوار می شد. پاهای خود را حرکت می داد و هی می کرد. وقتی پیامبر (ص) می خواست سر از سجده بردارد او را می گرفت و پهلوی خود به زمین می گذارد. یک نفر یهودی ناظر این جریان بود. پس از نماز به حضرت عرض کرد: شما با کودکان خود طوری رفتار می کنید که ما هرگز چنین نمی کنیم. پیامبر اکرم (ص) در جواب فرمود: اگر شماها به خدا و رسول خدا ایمان می داشتید با کودکان خود عطف و مهربان بودید. مهر و محبت پیامبر عظیم الشان نسبت به کودک مرد یهودی را تحت تأثیر قرار داد و او صمیمانه آیین مقدس اسلام را پذیرفت.^۹

حتی موقعی که مشغول کارهای منزل هستید با چند "دالی موشه" یا چند لحظه دنبال بچه از این سو به آن سو دویدن می توانید خشنودی او را جلب کنید. بدین ترتیب استراحت هم کرده اید.^۷

در رفتارهای پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) که بهترین و کامل ترین الگوی بشری است آمده است: روزی رسول گرامی اسلام با اصحاب از منزل خارج شدند و ناگاه حسین (ع) را دیدند که با کودکان مشغول بازی است. پیامبر اکرم (ص) از اصحاب جدا شدند و در حالی که به سوی فرزندشان قدم بر می داشتند دستانشان را گشودند تا او را در آغوش بگیرند. کودک خنده کنان به این سو و آن سو می گریخت و رسول الله (ص) نیز خندان از پی او می دویدند و سرانجام کودک را گرفتند و دستی زیرچانه او و



ندهند که خودش آن را کشف کند، در واقع شادی کشف کردن و لذت پیروزی بر موانع و مشکلات را از او سلب کرده‌اند. در چنین کودکانی عدم اعتماد به نیروهای خود و ترس و وحشت در برابر عدم موفقیت رشد می‌کند. در واقع به او این احساس را القا کرده‌اند که او موجودی ضعیف، حقیر و وابسته به کمک دیگران است. بدین ترتیب این گونه کودکان پس از بزرگ شدن و ورود به اجتماع همیشه دنبال تکیه‌گاهی برای رفع مشکلات خود می‌گردند.

* ضمن بازی با کودک توجه او را به قوانین و مقررات بازی جلب کنید و هر جا جریمه‌ای به او تعلق می‌گیرد جریمه‌اش کنید و هر جا پاداشی می‌یابد پاداشش را بدهید.

* هر وقت کودک خسته شد بازی را تمام

می‌کنند، و سرانجام وقتی کودک برای ساختن چیزی کاغذی را می‌برد، والدین مدتی به کوشش او نگاه می‌کنند، سپس قیچی را از دست او می‌گیرند و می‌گویند: بده به من برایت بپزیم. می‌بینی چه خوب در آمد؟

کودک نگاه می‌کند و می‌بیند که ساخته پدر بهتر از کار در آمد. آن گاه کودک صفحه کاغذ دیگری را به پدر می‌دهد و از او تقاضا می‌کند که چیز دیگری برای او ببرد و پدر نیز، که از موفقیت خود خرسند است، با علاقه این کار را انجام می‌دهد.

کودکان چنین والدینی فقط آن چه را که اولیای آن‌ها انجام می‌دهند تکرار می‌کنند و عادت نمی‌کنند بر مشکلات فائق آیند و مستقلاً خصلت‌های خوب را رشد و پرورش دهند.

هر وقت والدین طرز کار وسیله‌ای را بدون درخواست خود کودک به او بگویند و اجازه

شما ببیند تا به نوبه خود بتواند هم‌بازی خوبی برای دوستانش باشد.^۹

* به هنگام بازی با کودک توقعات زیادی از او نداشته باشیم. انتظارات ما باید بر اساس توانایی‌های او باشد. مثلاً وقتی مادری برای دختر کوچک خود یک عروسک و مقداری لباس عروسک خریداری کرده است، توقع دارد که بچه‌اش بدون هیچ اشتباهی درست مثل خود او به عروسک لباس بپوشاند، یعنی اول زیرپوش را به عروسک بپوشاند و سپس سایر لباس‌ها را، اما ممکن است دخترک میل داشته باشد که اول پالتوی قرمز رنگ را بر تن عروسک خود بنماید و بعد لباس‌های دیگرش را. در این گونه مواقع بهتر است والدین با صبر و حوصله کارهای کودک را پذیرا باشند.^{۱۰}

کنید، ولی اگر با شور و شوق بازی را ادامه می‌دهد مانع نشوید، ولو این‌که کم‌کم نقش خود را در بازی کم کنید و خود را به تدریج کنار بکشید.

* به هنگام بازی هر وقت کودک اشتباه می‌کند او را سرزنش و تحقیر نکنید، با شکیبایی به او کمک کنید تا اشتباهش را رفع کند. دقت داشته باشید که اگر کودک به دفعات زیاد در بازی شکست بخورد و ناکام شود (بیش از سه تا چهار بار شکست) به لحاظ روانی بر روی او اثر نامطلوب می‌گذارد و هویت ناموفق و عدم احساس خود ارزشمندی کم‌کم در او شکل می‌گیرد.

* با رعایت قوانین و مقررات، رعایت عدل و انصاف، گذشت، شکیبایی و بردباری بگذارید کودک تصویر یک هم‌بازی ایده‌آل را در وجود



* بعضی از کودکان به هنگام بازی اگر برنده نشوند، عصبانی و ناراحت می‌شوند. والدینی که نمی‌خواهند فرزندشان را ناراحت ببینند صحته بازی را طوری ترتیب می‌دهند که کودکشان برنده شود. این گونه عمل کرد از نظر تربیتی به دلایل زیر صحیح نیست.

۱- این کودکان خودخواه، مغرور و آسیب‌پذیر خواهند شد.

۲- این کودکان توانایی، قدرت و نیز شانس خود را بیش از حد واقعی تخمین می‌زنند.

۳- به هنگام بازی با هم‌سالان دوست دارند همیشه برنده شوند و در صورتی که برنده نشوند از نظر روحی و روانی آمادگی پذیرش شکست را ندارند و تحمل واقعیت برایشان تلخ است.

لذا کودک باید در بازی بیاموزد که در زندگی شکست هم وجود دارد و نباید به خاطر عدم موفقیت، بلافاصله از همه چیز صرف نظر کرد.

والدین چگونه می‌توانند به کودکان خود کمک کنند که هم‌بازی مناسب و بازننده خوبی باشند.

* بازی‌هایی که کودکان در آن‌ها موفق‌تر هستند: به عنوان مثال عبور از داخل تونل، لوله یا لاستیک ماشین، برای یک کودک ۵ ساله کار راحتی است، در حالی که پدر به سختی می‌تواند از آن عبور کند! هم چنین در بازی‌های حافظه‌ای و یا آن‌هایی که به مشاهده‌ای دقیق نیازمندند، کودکان در بسیاری از موارد بر والدین غلبه می‌کنند. از آن جا که والدین به علت تجربه همه چیز را بهتر می‌دانند و بهتر می‌توانند انجام دهند، باید گاهی از روی عمد اجازه بدهند که کودک حس کند: "هورا، من از پدر و مادر بهتر می‌توانم آن را انجام دهم." والدین باید گاهی در بازی‌هایی شرکت جویند که

* وقتی کودک به هنگام بازی با عصبانیت و پرخاشگری نسبت به عروسکش بدو بیره می‌گوید و پرخاش می‌کند، او را کتک می‌زند، موهایش را می‌کشد و دست او را می‌کند و... نباید والدین به عنوان هم‌بازی کودک مانع کارهای او شوند، بلکه با همدلی به کودک خود کمک کنند تا عواطف و احساسات خویش را در خلال بازی بروز دهد و از این طریق کودک را در ابراز و بیان ناراحتی‌ها، حسادت‌ها و ترس‌هایش یاری دهند.

* به هنگام هم‌بازی شدن با کودک بگذارید او در عالم تخیل خویش سیر کند و هر شیئی را هر چه می‌خواهد بنامد. مثلاً اگر کودکی به یک قطعه چوب می‌گوید این اسب من است یا این که آن چوب را تفنگ خود می‌نامد، شما به او نگویید این چوب چه شباهتی با تفنگ و اسب دارد؟ بلکه به او بگویید: خوب، اسب خودت را آب بده، بگذار اسب استراحت کند، چه اسب تیزرویی داری، برو مسابقه بده و...

به هنگام بازی تخیلی، کودک نیاز دارد که سریعاً به او پاسخ بدهید، لذا باید دنیای کودک را درک کنید و خود را تا سر حد کودکی تنزل دهید. چون که با کودک سروکارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد

* به هنگام بازی با کودک و به اصطلاح در بحبوحه اجرای نمایش با تمام وجود و اخلاص و یکرنگی با کودک رفتار کنیم. اگر کودک احساس کند که در حین بازی حواسمان جای دیگری است (مثلاً نیم‌نگاهی به تلویزیون یا اشاره و ایما با دیگران داریم)، از ما ناراحت شده، این کار را بی‌احترامی ما به او و بازی می‌پندارد.

است، بیش تر مسئله سازند. در این نوع بازی‌ها واضح و روشن است که بزرگ‌ترها پیشی می‌گیرند. گرچه بازی شطرنج و بازی‌های شیبه به آن مخصوص کودکان بزرگ‌تر است ولی کودکان ۵ تا ۶ ساله نیز قادرند چنین بازی‌هایی را فرا بگیرند. اما چگونه والدین می‌توانند در حین بازی آن را به کودکان خود بیاموزند؟

اگر والدین با مهارت کافی بازی کنند کودکان هیچ‌گونه شانس برای برنده شدن ندارند. آن‌ها به سرعت شکست می‌خورند و به زودی علاقه‌ای به ادامه بازی نداشته، حتی ممکن است بازی با والدین را امری ناخوشایند بشمارند.

بعضی از والدین عمداً اشتباه می‌کنند و یا همیشه فقط نیمی از توانایی خود را به کار می‌اندازند. عمل اولی صادقانه نیست و دومی در طول زمان لذت بازی کردن را از بازی‌کنان سلب می‌کند.

عده‌ای دیگر از والدین سعی می‌کنند با



از ابتدا می‌دانند ضعیف‌تر از کودکان هستند و از ترس شکست خوردن شروع به دلیل آوردن نکنند. اگر بدون تعارف و صادقانه اعتراف کنید که: "در مورد بالانس زدن تو از من ماهرتر هستی، به همین دلیل تو برنده‌ای"، کودک طرز رفتار والدین را الگو قرار داده، می‌بیند که چگونه می‌توان محترمانه باخت را پذیرفت. این‌گونه رفتار کردن از نظر تربیتی اثر مثبت و سازنده‌ای بر روی کودک خواهد گذاشت.

* بازی‌هایی که شانس در آن‌ها دخالت زیادی دارد: در اکثر طاس بازی‌ها مهم آن است که طاس‌ها چگونه بر روی زمین می‌افتند. در این بازی‌ها همه افراد خانواده حتی خردسال‌ترین آن‌ها دارای شانس مساوی‌اند. به همین جهت علتی ندارد که به فرد خردسال تر کمک کنید، مگر این‌که

الف: بازی‌کن خردسال برای سومین و چهارمین بار در همان روز شکست خورده باشد.
ب: در تمام مدت روز با بدبختی‌های مختلفی مواجه بوده است.

ج: او کمی بیمار است و خود به خود احساس خوشی ندارد و یا به هر علت دیگر شاد کردن او ضروری است.

فقط در این مواقع یا شرایطی شبیه به آن‌ها بزرگ‌ترها اجازه دارند به نفع کوچک‌ترها عقب‌نشینی کنند و از شانس‌های خود، آگاهانه صرف‌نظر نمایند.

* بازی‌هایی که کودکان در آن‌ها قدرت رقابت ندارند: بازی‌هایی که در آن‌ها نه تنها شانس مؤثر نیست، بلکه مهارت، قدرت، تفکر، استعداد ترکیب، تجزیه و تحلیل و برنامه‌ریزی دخیل

قبل از شروع مشخص کرد و آن را بز طبق شرایط بازی یا قدرت هم بازی تغییر داد.

در مسابقات دو، شنا یا قایق رانی فرد ضعیف تر زود حرکت را شروع می کند و همین طور در بین خواهر - برادرها هم چنین قوانینی صدق می کند. مثلاً در هنگام بازی شطرنج فرد بزرگ تر از داشتن یکی از مهره های اصلی صرف نظر می کند و از این طریق به فرد کوچک تر امکان بیش تری برای برنده شدن می دهد. در این صورت بازی برای هر دوی بازی کتان پر لذت خواهد بود.

به مرور زمان می توان میزان یا تعداد آوانس ها را کاهش داد و شرایط بازی را مساوی کرد، به طوری که هر دوی بازی کتان در شروع بازی شرایط مساوی داشته باشند.

پس از آن فقط زمان می خواهد تا والدین اظهار کنند: "در دویدن، شنا کردن، قایق رانی و... در مقابل فرزندان شانس برنده شدن نداریم و حتی در بعضی از بازی ها خود به آوانس احتیاج داریم."^{۱۲}

چشم پوشی از تقلب های کودکان در بازی، ناتوانی آن ها را جبران کنند. از این طریق نیز کودکان به سختی رفتار منصفانه در بازی کردن را می آموزند. برای جلوگیری از اشتباهات ذکر شده در بین بازی کتان فقط یک راه وجود دارد تا همه شرکت کنندگان بتوانند با توان کافی به بازی ادامه دهند و آن بدین صورت است که در ابتدای بازی به کودک کمی آوانس (ارفاق) داده شود.

می توان برای کودک توضیح داد که چنین آوانس ها یا پیش کمک هایی در ورزش مثلاً در اسب سواری معمول است. در این نوع ورزش اسب هایی (تیزرو - دونده تر) که در مسابقات گذشته همیشه برنده بوده اند از نقطه شروع مسابقه کمی عقب تر می ایستند. اغلب کودکان چنین ارفاق هایی را در مقابل بازی کن قوی تر می پذیرند و آن را منصفانه و درست می دانند و خود نیز در مقابل بازی کن های ضعیف تر چنین آوانس هایی را قائل می شوند.

در اکثر بازی ها می توان نحوه تعیین آوانس را

منابع:

- ۱- شکوهی یکتا، محسن: تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روش ها)، صفحه ۱۳۱.
- ۲- مطهری، محمد رضا: شرحی بر جلوه های رفتاری امام خمینی با کودکان و نوجوانان، صفحه ۳۸.
- ۳- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحات ۲۰۳ و ۳۰۳.
- ۴- اردکانی (شاهین)، سوسن: بهداشت مادر و کودک، صفحه ۳۹۵.
- ۵- قرآنی، محسن: دومین کنگره سراسری انجمن اولیا و مربیان کشور، صفحه ۳۷.
- ۶- افروز، غلامعلی: روش های پرورش حس مذهبی "نماز" در کودکان و نوجوانان، صفحه ۳۳.
- ۷- منبع شماره ۴، صفحه ۳۹۵.
- ۸- طبسی، محمد جواد: حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (ع)، صفحه ۹۶، به نقل از مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، صفحه ۱۷۶ و بحار الانوار، جلد ۳۳، صفحه ۲۷۱.
- ۹- منبع شماره ۴، صفحه ۳۹۶.
- ۱۰- سعیدی، م: روان شناسی و پرورش کودک، صفحه ۱۸.
- ۱۱- پیک خانواده (مجله شاهد)، شماره ۲۲۰، صفحه ۶۶.
- ۱۲- سینگر، ادوارد و اشتوکیگر، واگدالن: دنیای کوچک بزرگ من، صفحات ۳۷۴ - ۳۷۱.